



گزیده‌های منهای بیست

گزیده مطالب رازی، بیست سال پیش از این در همین ماه

انتخاب و تدوین از: فرض

مقدمه

زیرعنوان بالا مطالبی از رازی ۲۰ سال پیش در همین ماه ارایه می‌شود. گذشت ۲۳ سال و خرده‌ای از انتشار اولین شماره رازی، نامه اعمالمان را آن قدر قطور و سنگین کرده که بشود گاهی که دلمان تنگ آن روزها می‌شود به شماره سنگین و وزین صحافی شده هر سال نگاهی بیاندازیم، تورقی بکنیم صفحاتی چند از آن‌ها را بخوانیم و ... حالمان خوب شود. آن قدر انرژی بگیریم که همچون مدیر مسوول محترم و سردبیر نازنین پا بر زمین محکم کنیم که: «به هر حال ما ادامه خواهیم داد». این سر زدن‌ها به شماره‌های پیشین ایده‌ای را در ذهن نشانند که گزیده‌هایی از همان شماره و مشابه ماه انتشاراتی فعلی مان گزین کنیم و شما را نیز در این «دل‌شدگی» با خودمان شریک نماییم.

خواننده‌های قدیمی آن روزها برایشان زنده می‌شود و تازه خواننده‌های رازی هم پی می‌برند که بیست سال پیش رازی چه نوشت در مورد عرصه دارو در ایران و جهان.

به هر حال، به جستجوی زمان از دست رفته برآمدیم که با قدری اغراق و اغماض و با استعاره‌ای ادبی «بهشت گمشده» دست به قلم‌های رازی بوده است، همان بهشت گمشده‌ای که گفته‌اند: همان گذشته‌ای است که برای همیشه از دست داده‌ایم، ولی ما قطعاتی از آن گذشته را در جلد‌های صحافی شده از تعرض زمانه مصون داشته‌ایم.

مطالب این شماره گزیده‌های منهای ۲۰ به شرح زیر است:

- ۱ - فهرست مطالب مندرج در شماره بهمن / به کوشش دکتر مجتبی سرکندی
- ۲ - انقلاب در ارزش‌ها / دکتر سید محمد صدر
- ۳ - جدول علمی شماره ۲ / بخش علمی پخش رازی
- ۴ - دریچه‌ای به استعدادها
- ۵ - دیدگاه‌ها

فهرست مقالات بهمن ماه ۱۳۷۲

تهیه و تنظیم: دکتر مجتبی سرکندی

عنوان	نام نویسندگان یا مترجمان	نوع مقاله
انقلاب در ارزش‌ها	دکتر سید محمد صدر	مقاله
مروری بر فیزیولوژی قلب	دکتر فرخ شادان	
فارماکولوژی هیپرتانسیون	دکتر مرتضی ثمینی	
آترواسکلروز: پاتوژنز - درمان	دکتر فرشاد روشن ضمیر	
داروهای ضد آنژین صدی	دکتر عباس پوستی	
دارودرمانی نارسایی مزمن قلب	دکتر محمد حسین پور غلامی	
پرفشاری خون در اثر مصرف دارو	دکتر علی حائری	
پپتید ناترپورتیک دهلیزی - ANP	دکتر ابوالحسین احمدیانی، دکتر عاصفه حیدریگی	
کنترل افزایش فشارخون در دوران حاملگی	ترجمه: دکتر معصومه جرجانی	
جدول علمی شماره ۲	بخش علمی پخش رازی	
پاسخ جدول شماره یک	-	
نتیجه مسابقه علمی	-	
دریچه‌ای به استعدادها	-	
دیدگاه‌ها	-	
رازی و خوانندگان	-	
گردهمایی‌های علوم پزشکی	-	



انقلاب در ارزش‌ها

این اثر فرهنگی را به همراه داشت که هر فردی در داخل کشور تبدیل به شاهکی شده بود که جز تامین منافع خود و خانواده‌اش هدفی را دنبال نمی‌کرد. بر مبنای این فرهنگ اصالت، با منافع فردی است و جمع و جامعه و اجتماع و مردم، محلی از اعراب ندارند. در این تفکر چشم‌پوشی از منافع فردی به خاطر جامعه نوعی عوامی تلقی می‌شود و حرکت در این جهت ناشی از بیماری روانی است.

اصالت دادن به منافع فردی در این بینش تا جایی پیش می‌رود که اصول مملکت دوستی و دفاع از آب و خاک و مردم ارزش خود را از دست داده و دفاع از منافع شخصی جایگزین آن می‌شود. آنچه در این طرز تفکر اصالت دارد تامین منافع فردی است و این که تامین کننده کیست و چه نیاتی را دنبال می‌کند، اهمیت ندارد. در این تلقی آنچه مهم است قدرت و تامین آن می‌باشد. این که تامین کننده خارجی است یا داخلی

انقلاب در لغت به معنی دگرگون شدن، زیوروشدن برگشتن، تغییر، تحول، تبدل و حرکت عده‌ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی جدید است. بنابراین، در انقلاب یک جابجایی حکومت و ارزش‌ها وجود دارد که عامل آن بی‌ارزشی ارزش‌های گذشته نزد مردم و درخواست ارزش‌های جدید از جانب آنان است. ارزش‌های گذشته وابسته به حاکمان قبلی و نوع تفکر آنان و ارزش‌های جدید سمبل تفکر انقلابی می‌باشد که حاکمیت جدید را تشکیل داده است.

در کشور ایران قبل از پیروزی انقلاب، ارزش‌های شاهنشاهی و فرهنگ سرمایه‌داری وابسته حاکم بود و این تفکر در کلیه شئون مملکتی رواج داشت. بر مبنای این تفکر، منافع شخص شاه و دربار او بر منافع تمام ملت ترجیح داشت و تمام دستگاه‌های دولتی ماموریت داشتند که در این جهت حرکت نمایند. حاکمیت شخص شاه و خانواده او خصوصاً در درازمدت

بیگانه است یا خودی، محلی از اعراب ندارد و باید منسی واقع شود.

با بررسی این نوع تفکر، جای هیچ گونه شکی باقی نمی ماند که حاکمان چنین اندیشه ای با توجه به خصلت استبدادی و عدم تحمل نظریات مخالف پشتیبانی مردم را از دست داده و بر نیروهای خارجی متکی می شوند و از نظر سیاسی به حکومتی زیر سلطه بیگانه تبدیل می گردند. اثر فرهنگی چنین حکومتی حاکمیت تفکر رفاه طلبی، سودپرستی، خوشگذرانی فساد، بی تفاوتی نسبت به سرنوشت کشور و هموطنان بی توجهی به مسایل دینی، انسانی و اخلاقی و در نهایت ارزش یافتن پول و مادیات و حاکمیت آن بر کلیه شئون است.

اگر بخواهیم شرایط حاکم بر کشور در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را به طور دقیق مورد مطالعه قرار دهیم، نیاز به ده ها کتاب و مقالات متعدد است اما در این جا به همین مختصر بسنده می کنیم و به مشخصه های انقلاب می پردازیم.

تفکر حاکم بر انقلاب، تفکر اسلامی است و این فکر با توجه به همه جانبه بودنش ابعاد گوناگون انقلاب را پوشش می دهد. از آن جا که اسلام دینی کامل و صاحب ایده در کلیه امور سیاسی، اجتماعی اقتصادی، فرهنگی، حکومتی و حتی مسایل فردی و روابط انسانی است، انقلاب نیز که برگرفته از چنین اندیشه ای است در تمام زمینه ها دارای طرح و برنامه است. به عنوان مثال اسلام، در زمینه حکومت حاکمیت کفار بر مسلمانان را نمی پذیرد و سلطه اجنبی را رد می کند. در زمینه مسایل سیاسی استبداد رای و شیوه دیکتاتوری را به طور مطلق مطرود دانسته و مردم را به شنیدن اقوال گوناگون و انتخاب بهترین

حرفها سفارش می کند. در این جا این برداشت وجود دارد که لازمه اجرای چنین اصلی آماده بودن زمینه برای طرح نظریات مختلف در حکومت اسلامی است. در مورد مسایل اقتصادی اسلام به هیچ وجه جامعه طبقاتی را تایید نمی کند و وجود انبوهی گرسنه در کنار معدودی مرفه را مردود می داند. اسلام عدالت اقتصادی و اجتماعی را در دستور کار خود دارد که در آن برخورداری اکثریت مردم از حداقل نیازهای اقتصادی، در اولویت اول است. در مسایل فرهنگی اسلام منادی عشق و ایثار و فداکاری است. در این فرهنگ خودپرستی مذموم و خدمت به خلق تقدیر می شود. در این مکتب از خودگذشتگی و فداکاری برای مسلمانان و دیگر هموطنان ارزش گذاری شده و از بالاترین عبادات محسوب گردیده است. تفکر اسلامی، دفاع از منافع ملت ایران و مسلمانان جهان را اصل دانسته و به هیچ وجه در پی تامین منافع یک فرد و یا یک خانواده نیست. این تفکر خدا را در کلیه شئون زندگی اعم از فردی و اجتماعی ناظر دانسته و هر حرکت انسان در ارتباط با او معنی پیدا می کند. با توجه به نکات فوق و معنی انقلاب مشخص می گردد که دگرگونی اساسی در مردم ایران و تحول عقیدتی و فرهنگی در آنان چنان انقلاب عظیمی را به وجود آورد. در این دگرگونی، انسان شاهنشاهی به انسان مسلمان تبدیل شد و این تحول توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی انجام پذیرفت.

در این تغییر انسان خودخواه به انسان خداخواه و انسان منفعت طلب به انسان ایثارگر و انسان فردی به انسان اجتماعی و در یک کلمه انسان مادی به انسان معنوی مبدل گردید. اکنون برای عینی شدن

او فقط و فقط به هدفش که پیروزی انقلاب اسلامی بود، فکر می‌کرد.

پس از دیدار با این مجاهد حقیقی به اتاقی که یکی از جوانان در آن بستری بود رفتیم. این جوان حدود ۱۷ سال داشت و از ناحیه چانه مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود. منظره ظاهری صورت بسیار دلخراش بود، زیرا گلوله بخشی از فک پایین را به همراه چانه برده بود و خونریزی غیرقابل کنترلی ادامه داشت. پدر جوان که یک فرد روحانی بود بالای سرش ایستاده بود و با متانت تمام صحنه دلخراش را تحمل می‌نمود. وضعیت مجروح به گونه‌ای بود که در ابتدا توان سخن گفتن نداشتیم، ولی پس از دقایقی به خود فشار آورده و به پدر گفتیم: حاج آقا خدا قبول کند. چنین پدری را چنان فرزندی باید. فرد روحانی نگاهی کرد و پاسخی نگفت. سکوتش بسیار معنی‌دار بود و شاید می‌خواست بگوید که نسل ساخته شده تفکر امام خمینی، باید چنین باشد. سپس به سراغ خود مجروح رفتیم. گرچه رمق حرف زدن نداشت ولی جمله‌ای گفت که تا آخرین لحظات زندگی آن را فراموش نخواهم کرد. وقتی می‌خواستیم به او دلداری بدهیم، اظهار داشتیم که انشاءالله به زودی خوب می‌شود و دوباره به مبارزه ادامه می‌دهد. در پاسخ اظهار داشت: «این دندان که چیزی نیست، تمام وجودم فدای خمینی.» اشک در چشمانم حلقه زد و نمی‌دانستم چه بگویم. خدا می‌داند که با تمام وجود در مقابلش احساس کوچکی می‌کردم. زبانم بند آمده بود فقط توانستم دستش را بفشارم و اتاق را ترک کنم.

برای بررسی وضع شهدا و اطلاع از کم و کیف آن به سراغ یکی از مسؤولان بیمارستان رفتیم و از او خواستیم ما را در جریان امر قرار دهد. مسؤولان

نظریه فوق به ذکر چند نمونه از دوران انقلاب اسلامی می‌پردازیم تا هر چه بهتر تحول اساسی در وجود مردم کشورمان مشخص گردد.

ساعتی پس از کشتار بیرحمانه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان شهدا و پراکنده شدن مردم در خیابان‌های اطراف میدان، جهت بررسی وضعیت شهدا و مجروحین به اتفاق یکی از دوستان به بیمارستان سوم شعبان رفتیم. این بیمارستان توسط نیروهای مسلمان اداره می‌شد و به همین دلیل و با توجه به نزدیکی به میدان شهدا تعداد زیادی از شهدا و مجروحین را به این بیمارستان منتقل کرده بودند. کلیه اتاق‌های بیمارستان و حتی راهروها و سالن اصلی تبدیل به درمانگاه شده بود و مجروحان زیادی در کنار دیوارها روی زمین خوابانده شده بودند. اولین مجرووحی که توجه ما را جلب نمود، جوانی حدود بیست و دو ساله بود که خنده از لب بر نمی‌گرفت. حالت ظاهری او طوری بود که هیچگونه اثری از جراحت و یا ناراحتی را نشان نمی‌داد. وقتی علت ناراحتیش را پرسیدیم گفت در میدان شهدا به اتفاق یک گروه از برادران ستونی مابین ارتش و خواهرانی که در صف اول تظاهرات بودند ایجاد کرده بودیم و این به خاطر حفاظت از خواهران بود. زمانی که تیراندازی شروع شد به علت فشار جمعیت به داخل جوی کنار خیابان افتادم و هیچ احساس ناراحتی نیز نداشتیم، اما وقتی می‌خواستیم بلند شوم دیدم نمی‌توانم و آن زمان مطلع شدم که از ناحیه کمر مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌ام. این جوان ایثارگر با وجود این که توان تکان خوردن نداشت همچنان با روحیه قوی و لب‌های خندان به شرح ماوقع ادامه می‌داد و در همان حال نیز علیه رژیم تبلیغ می‌کرد. وی تنها مساله‌ای که برایش مطرح نبود تیر خوردن، زخمی شدن و شاید فلج شدن در آینده بود.

بیمارستان که تا آن زمان (ساعت ۱ بعدازظهر ۱۷ شهریور) به دلیل شلوغی اوضاع و حجم بیش از اندازه مجروحان فرصت تنظیم کارها را نیافته بودند. شهدا را در اتاق در بسته به روی هم قرار داده بودند. حدود بیست و پنج شهید را در آن زمان از نزدیک دیدیم. وضعیت ظاهری آنان به خصوص نوع لباس و کفش و ... به طور کامل نشان‌دهنده آن بود که از اقشار مستضعفی هستند که با خلوص تمام به راه امام پیوسته‌اند و برای پیمودن این راه عزیزترین سرمایه یعنی جانشان را در طبق اخلاص گذاشته‌اند.

ذکر خاطراتی دیگر در این زمینه شاید خالی از لطف نباشد. در زمستان قبل از پیروزی بحران انرژی مملکت را فراگرفت و نفت سفید که مهمترین وسیله گرم‌کننده مردم بود، کمیاب شد. توزیع نفت سفید با مشکل روبه‌رو گشت و مردم به خصوص زنان مجبور بودند ساعت‌ها حتی در شب‌های تاریک در صف بایستند تا یک ظرف ۲۰ لیتری نفت را دریافت دارند. به محض به وجود آمدن این مشکل، جوانان هر محل کمیته‌های توزیع نفت تشکیل دادند و ظروف نفت را از منازل می‌گرفتند و پس از دریافت نفت آن را به درب منازل می‌بردند. آنان دیگر اجازه ندادند زنان در سرمای زمستان در صف‌ها بایستند و کمبود نفت آزارشان دهد. این‌ها جوانانی بودند که شاه حدود دو دهه برنامه‌ریزی کرده بود تا به فسادشان بکشد و از شر سیاسی شدنشان در امان باشد.

خاطره دیگر که تمام افراد شرکت‌کننده در تظاهرات آن را به یاد دارند خدمات صلواتی ارایه شده از جانب مردم به یکدیگر بود. آنان آب آشامیدنی، شربت ساندویچ، بیسکویت، نان، میوه و هر چیزی که مورد نیاز به نظر می‌رسید در میان جمعیت توزیع می‌کردند

و سعی می‌نمودند از این طریق خستگی راه را از تن هموطنان خود بزایند. در این مورد افرادی بودند که سکه‌های دو ریالی آماده برای تماس تلفنی به انبوه جمعیت تظاهرکننده ارایه می‌دادند تا مبادا فردی از کار ضروری و ارتباط اضطراریش باز بماند.

نکته مهم این است که اتفاقات فوق در میان مردمی به وقوع می‌پیوست که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد بر آنان آیه یاس خوانده و آن‌ها را به نفع شخصی و بیرون کشیدن گلیم خود از آب، فراخوانده بودند. به آنان گفته بودند: آدم عاقل با مشیت به جنگ تفنگ نمی‌رود و باید مواظب باشد تا کلاهش را باد نبرد. به آنان گفته بودند شاه سایه خدا بر زمین است و وجود او ایران را نگاه می‌دارد و هر حرکت ضدشاه به معنی حرکت بر ضد ایران است. به آنان گفته بودند که اگر شاه برود کمونیست‌ها حاکم می‌شوند و کفر کشور را فراخواهد گرفت. اما این ملت، این مردم، این امت به هیچ وجه تحت تاثیر این القائات قرار نگرفت و این تبلیغات را باور نکرد، زیرا تحولی اساسی در فکرش و تغییری بنیادی در روحش و انقلابی بنیادین در فرهنگش به وجود آمده بود و همه این‌ها تحت تاثیر مردی بود که خود سال‌ها در این راه گام برداشته بود و عبادت‌های شبانه و مجاهدت‌های روزانه، او را به رهبری انقلابی و تمام عیار تبدیل کرده بود. رهبری از تبار پیامبران و هم‌خانه مظلومان و مستضعفان. مرد محراب و میدان، خمینی کبیر.

نشریه رازی شانزدهمین سالگرد پیروزی انقلاب مقدس اسلامی را خدمت تمامی همکاران تبریک عرض نموده و امیدوار است همچون گذشته در راستای اهداف این انقلاب الهی و مردمی گام بردارد.
دکتر سید محمد صدر



جدول علمی

شماره (۲)

تهیه و تنظیم: بخش علمی بخش رازی



افقی

- مربوط به حس لامسه سه حرف آخر را حذف کنید - صدای کلفت.
- ۱۲ - یک داروی بتابلوکر - ماده نیست - ملح.
- ۱۳ - خال انگلیسی - نابودی.
- ۱۴ - غوزه پنبه - دریچه بین دهلیز و بطن چپ قلب - از کلمه ورزش یک نقطه حذف کنید.
- ۱۵ - اثر معروف ژول ورن - ریزش آن غم و غصه فراوان دارد.
- ۱۶ - شاعر معروف عرب معاصر خلفای عباسی - داروی ضد افسردگی غیر سه‌حلقه‌ای که با مهار آپ‌تیک سروتونین عمل کرده و کمتر از سه‌حلقه‌ای‌های قدیمی خاصیت آنتی‌کولینرژیک و سمیت قلبی دارد.



عمودی

- ۱ - نوعی تومور پانکراس که هورمون مهارکننده آزادی هورمون نمو را ترشح می‌کند.
- ۲ - محل خوش آب و هوا در خارج شهر - حالت چهارم ماده - ضدفراز.
- ۳ - شکم‌پرست - دو دل شدن.
- ۴ - میانجی - حوزه فرمانروایی - غذای بسیار ساده

- ۱ - داروی انتخابی موضعی در درمان سوختگی‌های عفونی.
- ۲ - ماده ضروری برای متابولیسم طبیعی بدن - بخارات غلیظ شده آب در جو - سیاهی.
- ۳ - شیره چغندر قند - اسم دختر به معنی خوشگل و زیبا - روشنایی صبح.
- ۴ - کلمه‌ای به معنی خاموش کردن آتش که حرف اولش تکرار شده است - ضمیر سوم شخص - دبستان.
- ۵ - تقبل بی‌دم - از جنگ‌هایی که حضرت محمد (ص) در آن شرکت داشتند - مال تهران در حال احداث است.
- ۶ - جمع قسط - ارادتمند.
- ۷ - کاخ پادشاهان - به معنی کشتی ولی مقداری کشیده.
- ۸ - تپه - تعمیر کردن - «ت» رفتن جا افتاده.
- ۹ - تکرار حرف اول فارسی - گنج - طمع.
- ۱۰ - آندروژن طبیعی - یگانه.
- ۱۱ - مخفف امیر متنها در هم ریخته - از کلمه

- با مقداری جابجایی.
- ۵- پایتخت ایتالیا - شقاق - داروی ضدصرع کم مصرف با خاصیت مهار کربنیک آنیدراز.
- ۶- صورت - بیماری مزمن ریوی - «است» وارونه.
- ۷- به معنی ورید است - خط بدون تشدید - کلوخ - متر وارونه.
- ۸- از انتهای نام یک دارو ضددیابت خوراکی «مین» حذف شده است - این نوع سگ خطرناک است.
- ۹- فیلسوف بزرگ اسلام که لقب معلم ثانی به او داده‌اند - واحد پول ژاپن - لخت.
- ۱۰- آبخور - بیخ - برهنه - از ملین‌های حجمی که در درمان یبوست و کولیت اولسراتیو و کولون اسپاستیک با ارزش است. - شعله آتش.
- ۱۱- باب - دعوت به سکوت می‌کند - یکی از جام‌های معتبر فوتبال اروپا.
- ۱۲- Snake venom - سرطان.
- ۱۳- وسیله‌ای که با توجه به مقدار نور جذب شده توسط یک محلول رنگی، مقدار مواد رنگ‌زا را در محلول اندازه‌گیری می‌کند.
- ۱۴- یون دوقطبی - آیین.
- ۱۵- مراسمی که به یاد کسی برگزار می‌شود - تاک.
- ۱۶- دنده بی‌سر - کورتیکواستروئیدی تقریباً با ۲۵ برابر قدرت هیدروکورتیزون و بدون خاصیت احتباس نمک که به منظور ایجاد اثر ضدالتهابی و توقف ترشح ACTH مصرف می‌شود.

جدول شماره (۲)

	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱																
۲																
۳																
۴																
۵																
۶																
۷																
۸																
۹																
۱۰																
۱۱																
۱۲																
۱۳																
۱۴																
۱۵																
۱۶																



جواب داد که هیچ کاری از ما ساخته نیست تنها کاری که می‌توانیم برایش انجام دهیم این است که از خون‌ریزی جلوگیری کنیم و از چرک کردن دستش. من طبق دستور استاد خود عمل کردم و انگشت قطع شده را به خانم دادم که برای دفن کردن آن به قبرستان مراجعه نماید. ولی هیچ‌گاه نتوانستم خاطره این انگشت را فراموش کنم و نمی‌دانم آن خانم حالا حیات دارد یا نه؟

به هر صورت از خانم سؤال کردم که چطور شد انگشت دست شما با سه بند قطع گردید؟ جواب داد که می‌خواستم از اتوبوس پیاده شوم حلقه انگشترم به دستگیره درب خروجی اتوبوس گیر کرد و وقتی که دستم را کشیدم دیدم حلقه انگشتر منجر به قطع انگشتم شده است. ۴۵ سال پیش من فکر نمی‌کردم که علم پزشکی تا آن حد پیشرفت

■ همکار محترم ما آقای دکتر سید محمود پورحسینی که شعر نیز نیکو می‌سرایند مطلبی تحت عنوان «خاطرات یک پزشک» برای این صفحه ارسال فرموده‌اند:

در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در بیمارستان هزار تختخوابی آن روز (بیمارستان امام خمینی امروز) خانم جوانی حدود ساعت چهار بعدازظهر شتاب‌زده و نگران به بیمارستان مراجعه و از من تقاضای کمک نمود وقتی که از او پرسیدم چه ناراحتی دارید و از چه چیز رنج می‌برید از داخل کیف دستی خود انگشت قطع شده‌ای را بیرون آورد و از من خواست که آن را دوباره به دستش پیوند بزنم و دوباره در میان سایر انگشتان دستش قرار دهم و چون این کار از من ساخته نبود بلادرنگ شماره تلفن منزل استادم را گرفتم و ماقع را برایش گفتم،

لحظه‌ای از خواندن و مطالعه کردن غفلت ننماید که بی‌دانشی موجب بدبختی است درست گفت آن کس که فرمود:
چنین گفت پیغمبر راستگوی
زگهواره تا گور دانش بجوی

کند که بشود به سادگی دستی را که از زیر شانه قطع شده است دوباره پیوند زد و از عضو قطع شده دوباره استفاده کرد، به همه همکاران عزیز و دانشجویان گرامی می‌گویم که کسی که شغل پزشکی را برای خود انتخاب کرد باید تا پایان عمر

ره پیما	کویر همه خاطره است	■ قطعه‌ای است زیبا از یک همکار جوان و صاحب ذوق:
پس بیا بنگر	همه رنگ و صدا	
کویر را	همه خاک و گرما	
مجتبی سرکندی	و شیدایی در مردم مردمی صابر، ساده و زیبا	

اطلسی و بالاخره حرف «میم» از میخک، «سلام» مخصوص خود را تقدیم حضورتان می‌کنم. از محبت ایشان سپاسگزاریم.

«در حالی که فصل گل و بهار و طراوت را پشت سر گذاشته‌ایم من با انتخاب حرف «سین» از سنبل، حرف «لام» از لاله خونین دل، حرف «الف» از

■ دوست جوان دیگری آقای **مهران آقامحمدپور** دانشجوی پزشکی اصفهان «سلامی» خاص و لطیف نثار نشریه خودشان «رازی» نموده‌اند:

کوله‌باری پُر از دوا دارد زیر بارش خدا خدا دارد نه به پا کفش و نه قبا دارد چون به زیر بغل عصا دارد خط رنجی که برملا دارد او که قلبی پر از صفا دارد نسخه‌ها از من و شما دارد جای آب و غذا دوا دارد جور واجور جعبه‌ها دارد بسته‌ها بسته در قفا دارد

یار دیرین خویش را دیدم همه جامی‌کشد و رابر دوش صورتی زرد و لاغر و مفلوک قامتش گوئیا شکسته شده با نگاهی به چهره‌اش خواندم حاجتی نیست شرح احوالش این مطب آن مطب بسی رفته او حریص و گرسنه داروست قرص و کپسول و شربت و آمپول دولکولاکس و شیف و قطره چشم

■ همکاری صاحب ذوق و طیبی خوش قریحه یعنی جناب آقای **دکتر احمد دانشوری** از مشهد شعر خواندنی زیر را برای این صفحه ارسال فرموده‌اند با مقدمه‌ای کوتاه:

جناب آقای **دکتر سیامک نژاد** سردبیر محترم مجله رازی پس از عرض سلام و توفیق

ایندرال و متیل دوپا دارد
چون جوازی ز بیمه‌ها دارد
بگذارش زمین که جا دارد
تن خشکیده‌ات دما دارد
حال من طعنه بر شما دارد
حاصلش بهر ما جفا دارد
از سرت بگذرد فنا دارد
نه به هر جسم و جان وفا دارد
آن زمان بهر تو شفا دارد
شعر من نکته برملا دارد
همه جا زین نمونه‌ها دارد
می‌رود تا توان و نا دارد

چونکه سهل است و ساده و آسان
دستیابی به دکتر و درمان

از مسکن می‌پرس بی‌حد و مَرّ
می‌کشد با خودش به هر کلینیک
گفتم‌ای دوست کوله‌بارت را
از چه رو گشته‌ای چنین رنجور
نفسی چون کشید گفت دریغ
این شماید و نسخه‌های شما
گفتم آری، اگر که آب حیات
این که داروست با عوارض آن
گر که آن را بجا کنی مصرف
نکته‌ای گویمت عیان گردد
تا که فرهنگ مردم این باشد
دفتر بیمه را گرفته به دست

روزافزون سرکار و سایر
همکارانتان قطعه شعری درباره
مصرف بی‌رویه دارو جهت
درج در صفحه درپچه‌ای به
استعدادها ارسال می‌گردد در
صورت تصویب و موافقت امر
به درج آن فرمایند.

فراموشی می‌سپاریم! و اینک در
بزرگداشت این روز صفحه کاغذ
را دمی جولانگاه قلم قرار داده
این روز را یاد کنیم:
در آن هنگام که غروب آبستن
شب بود، سه پاره اخگر شفق را
به خون خود آذین بستند و در
فلق جاری شدند ...
نسیم نفس پاکشان پیش قراول
تندبادی شد که شب را در هم
شکست و نور قلب روشنشان
چراغ راه شد و امید طلوع
صبحدم ...

مژده‌ها از ماه و از کوکب رسید
جان «شب» زان شعله‌ها بر لب رسید

دیروز»
در زمانی که همه ارگان‌ها
و سازمان‌ها با توسل به
مناسبت‌های گوناگون سعی در
نامگذاری روز یا هفته‌ای با عنوان
خود می‌باشند و در بزرگداشت
آن مجذانه می‌کوشند، متأسفانه
ما دانشجویان روزی را که
بهای نامگذاری آن خون جوانان
دانشجوی این مرز و بوم، آن
هم در اعتراض به حضور
سرکرده استعمار و استثمار در
ایران بوده را کم کم به دست

شعله‌هایی از افق بر شب رسید
ماه آذر زان سه آذر جان گرفت

■ آقای محمدرضا سهرابی
دانشجوی پزشکی اصفهان طی
نامه‌ای چنین نوشته‌اند:

مسئولان محترم و دست‌اندرکاران
گرامی ماهنامه رازی:

از تلاش‌های بی‌دریغ شما در
جهت ارتقای سطح دانش و
بینش ما نسبت به مسایل علمی
و اجتماعی صمیمانه سپاسگزاری
می‌نمایم. فراخوان شما را در
شماره مرداد ماه خواندم و بر آن
شدم تا در بزرگداشت روز دانشجو
کلماتی هرچند قاصر از ادای حق
مطلب به رشته تحریر درآوردم:
«تقدیم به دانشجویان امروز و



دیدگاه‌ها

مدیرمسئول و سردبیر محترم ماهنامه ارزشمند رازی: سلام گرم مرا بپذیرید. اکنون مدت ۳ سال است که از انتشار ماهنامه خوب و خواندنی رازی می‌گذرد. فرصت را غنیمت شمرده در آغاز سپاس و تشکر فراوان خود را به پاس انتشار این ماهنامه خوب به کلیه مسؤولان و دست‌اندرکاران آن ابراز داشته و به بیان این گفتار پرمحتوی از مولا علی^(ع) که می‌فرماید: «هر کس به من کلمه‌ای پیاموزد، مرا تا ابد بنده خود ساخته است» اکتفا کرده اعلام می‌دارم که بدون شک شما عزیزان و دیگر دست‌اندرکاران نشریات و مجلات علمی - پزشکی این سرزمین حق بزرگی بر گردن فرد خوانندگان و مخاطبان علاقمند خود دارید و الحق که در پرداختن به «زکات علم» راهی پسندیده را در پیش گرفته‌اید. راهتان با تداوم و قدم‌هایتان

استوار باد. از آن‌جا که ماهنامه رازی عنوان علمی - اجتماعی دارد نوشتار زیر را ارسال می‌دارم. امیدوارم اگر مقبول طبع و مورد پسند واقع شد در بخش مربوطه درج گردد در غیر این صورت هم از رازی ناراضی نخواهم شد! زیرا می‌دانم حجم نامه‌ها و مکاتبات زیاد است و متنوع، اما از آن‌جا که بیان باب تازه‌ای است امیدوارم که به چاپ آن اقدام گردد و اما اصل مطلب:

در زمان حاضر طب و دارو و درمان از گستره بزرگ و پهن‌آوری برخوردار است و هر روز که می‌گذرد این گستردگی افزون می‌گردد، بالطبع در این راستا مقوله طب و درمان همکاری و صمیمیت و یکدلی و همگامی تمامی دست‌اندرکاران جِرف مختلف پزشکی را به کمک می‌طلبید. تصور کنید در هنگام روز و یا در نیمه شب که انسانی دردمند و

این روحیه همکاری تلاش و جدیت نمایند. متأسفانه ماهنامه خوب رازی علیرغم تمامی نکات مثبت و آموزنده‌ای که دربردارد در بخش مسایل و رویدادهای اجتماعی و خصوصاً در قبال نامه‌های ارسال خوانندگان رویه‌ای را در پیش گرفته که اگر عمیق و دقیق بنگریم این شک را برمی‌انگیزد که تا حدودی در استحکام بخشیدن به این پیوند و همکاری و همگامی شیوه‌ای نه چندان دلچسب را اتخاذ کرده است. اگرچه با اتخاذ این روش مخاطبان بیشتری را جلب می‌کند ولی هرگز گرد آوردن این مخاطبان نباید به بهای از دست رفتن حس صمیمیت و همکاری در بین حرف مختلف پزشکی باشد.

بدون شک دو قطب اصلی مساله درمان را پزشکی و داروپزشک تشکیل می‌دهند. بنابراین لزوم همکاری نزدیک و صمیمانه بین این دو قطب از ویژگی و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در ماهنامه رازی یکی از قسمت‌های خوب و خواندنی و آموزنده که به زیور قلم همکار ارزشمندی همچون جناب آقای دکتر سیامک نژاد آراسته است بررسی نسخ پزشکان و یا به عبارتی بررسی مقوله پلی‌فارماسی است. اگرچه همه خوانندگان علاقمند از این نوشته‌ها مسایل فراوانی را آموخته‌اند ولی از لحاظ اجتماعی از آن‌جا که هر نقد و تجزیه و تحلیلی اگر به مسایل و فاکتورهای جنبی توجه نداشته و یا توجه کافی مبذول ندارد خالی از ایراد نخواهد بود بنابراین باید یادآور شد که پدیده پلی‌فارماسی اصولاً یک معضل مولتی‌فاکتوریال است که سهم کوچکی از آن نصیب پزشکان

بیمار به مصیبتی گرفتار می‌آید و از مرکز فوریت‌ها و اورژانس محل زندگی خود کمک می‌طلبد با شروع به کار تکنیسین‌های مرکز اورژانس آن محل گام نخست در جهت پی‌ریزی درمان و مداوای این بیمار برداشته می‌شود. وقتی او را به بیمارستان منتقل می‌کنند پزشک درمانگاه و یا دکتر کشیک اورژانس عهده‌دار مرحله بعدی کمک و درمان به این بیمار می‌باشد. لحظاتی بعد نیاز به یک مشاوره تخصصی پزشکی و یا داروپزشکی است و سرانجام ممکن است بیمار به اطاق عمل انتقال داده شود در این‌جا هم متخصصان بیهوشی و جراحان و سایر پرسنل اطاق عمل از کادر کمکی گرفته تا پرستاران و تکنیسین‌ها هر کدام عهده‌دار وظایفی به خصوص می‌باشند تا به هر حال انسانی دردمند و بیمار سلامتی و شفای خویش را باز یابد. ملاحظه می‌گردد که امروزه امر درمان یک پدیده فردی و تک‌نفره، نبوده بلکه یک امر گروهی و تیمی است که فرد فرد اعضا و ارکان این گروه به مانند حلقه‌های متعدد و پشت سر هم یک رشته زنجیر بزرگ و مستحکم می‌باشند. بدون شک هر حلقه‌ای که سست و ناستوار باشد استحکام تمامی این زنجیر در معرض خطر و از هم گسیختگی می‌باشد با این توصیف لزوم همکاری و صمیمیت بین تمامی دست‌اندرکاران حرف و مشاغل پزشکی امری بدیهی و روشن است و شاید در هیچ کاری و شغلی این چنین همکاری و همگامی و یک‌دلی تا این حد ضرورت حیاتی و اخلاقی نداشته باشد. بنابراین بر تمامی مسؤولان و صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران است که هر چه بیشتر در استحکام بخشیدن به

هیچ چیز را اصلاح نکرده‌ایم. بنابراین برای انجام اصلاحات باید ابتدا عوامل زمینه‌ساز خرابی‌ها را شناخت و از بین برد.

حال در شرایطی که در همین سرزمین ما شیادان و کلاهبرداران و فرصت‌طلبان فراوانی بدون این که کوچکترین بهره‌ای از علم و دانش داشته باشند در لباس طبابت سنتی، گیاه درمانگر، دکانویس و احضارکننده روح، جادوگر و سلمانی و جراح مکتب ندیده! و شکسته‌بند محل و دست‌اندرکاران تجربی و پراتیک که معرف حضور همگی هستن آزادانه هر چه بخواهند می‌کنند و هیچ کس نیست به آن‌ها بگوید که بالای چشمتان ابرو است ما باید برای اصلاحات از کجا شروع کنیم؟ در حالی که بسیاری از دست‌اندرکاران تجربی پزشکی زیرزمین خانه‌هایشان را تبدیل به اطاق عمل جراحی کرده و اعمالی در حد جنایت از قبیل سقط جنین و ... انجام می‌دهند ابتدا باید از کجا شروع نمود؟ در حالی که ساده‌ترین داروهای O.T.C در داروخانه‌ها یافت نمی‌شود پرداختن به مساله علمی کار کردن و علمی نسخه نوشتن چه معنا دارد؟ به فرض آن که همه پزشکان و داروپزشکان این کشور با تمام وجود به زیور علم آراسته شوند مگر چقدر علم در بین مردم ما جایگاه داشته و چقدر خریدار دارد؟ اصلاً آیا تا به حال کوچکترین تلاشی در جهت بهبود و اصلاح فرهنگ مردم در جهت شناختن پزشکان و داروپزشکان توسط مردم به عمل آمده تا آن‌ها حیطه عمل پزشک و داروپزشک را بهتر بشناسند و به وظایف آن‌ها پی ببرند؟ با مردمی که با تمام وجودشان از پزشک

می‌گردد و در کند و کاو همه جانبه و دقیق این جریان مسایل و فاکتورهای متعددی دخالت دارند که اصولاً هیچ‌گاه به آن‌ها پرداخته نشده و یا شاید هم نخواستند که بپردازند. این فاکتورها گوناگون و متعددند و در همین نوشتار جای بحث آن‌ها نیست زیرا بیش از حد به درازا خواهد کشید. ولی فهرست‌وار باید یادآوری کرد که از فرهنگ مردم گرفته تا نارسایی‌های دارویی - اقتصادی - اجتماعی، خدماتی - تربیتی و ... همه و همه دست به دست هم داده تا پدیده‌ای به نام پلی‌فارماسی که از قضا گریبانگیر جوامع بسیاری نیز می‌باشد در جامعه پزشکی ما نیز به عنوان یک مشکل صفحات فراوانی از این مجله را خود اختصاص دهد. اما سخن و گفتار اصلی چگونگی حل مشکل است که باید برای پرداخت به آن و سپس حل آن مشکلات اصلی و اولیه و ریشه‌ای را شناخت و از بین برد تا خود مشکل نهایی نیز سرانجام رفع گردد نه آن که با مطرح کردن این مشکلات گروه‌های مختلف پزشکی را در مقابل هم قرار داد، فی‌المثل پزشک متخصص اعصاب و روان همکاران عمومی خود را متهم به نوشتن بی‌رویه داروهای ضدصرع نماید و هفته بعد پزشک عمومی در مقام جواب پزشک متخصص اعصاب را مورد سؤال قرار دهد و هر دو این‌ها توسط داروپزشک مورد سؤال قرار می‌گیرند و بالعکس. بدون شک چنین رویه‌ای روحیه رو در رو قرار گرفتن را تقویت کرده و نهایتاً وضعی پیش می‌آید که نظام همکاری و صمیمیت پزشکی خدشه‌دار گردیده و در آخر کار دودش فقط به چشم بیمار و جامعه می‌رود در حالی که

نوع تزریقی که به لحاظ روانی بیشتر مورد پسند بیماران ما است چه اشکالی پیش می‌آید؟ به هر حال صحبت به درازا کشید. جا دارد بار دیگر در پایان به این نکته اشاره شود که از همه چیز گذشته سلامت و شفای بیماران بیش از هر چیز مدیون همکاری صمیمانه گروه‌های مختلف پزشکی است که هر کدام جایگاه خاص و ویژه خود را در امر درمان داشته و دارند و باید به هر طریق ممکن در تداوم و استحکام بخشیدن به این همکاری و صمیمیت کوشا و جدی باشیم ... هر اقدامی در جهت خدشه دار کردن این همکاری نامطبوع و نامطلوب است. والسلام
همدان، دکتر مسعود اسرار دل - پزشک عمومی

دارو طلب می‌کنند چگونه باید برخورد کرد؟ مگر وقتی مشکلات و تنگناهای اقتصادی انجام هرگونه بررسی و تلاشی را در جهت پی بردن به بیماری و تشخیص صحیح از پزشک سلب می‌کند چاره‌ای جز دارودرمانی برای پزشک باقی می‌ماند؟ مگر وقتی بیماری با انواع و اقسام دردها و شکایات در کوره شهری به پزشک مراجعه می‌کند در حالی که امکان هیچ‌گونه بررسی و مطالعه‌ای جهت پی بردن به بیماری وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد بیمار زیر بار آن نمی‌رود چاره‌ای جز دارودرمانی و پلی‌فارماسی باقی می‌ماند؟ مگر برای بیماری که در طول سال امکان خوردن چند وعده غذای گرم و گوشت بیشتر وجود ندارد در هر بار مراجعه و به هر علت داروی تونیک نوشته شود آن هم از

